

جایگاه سرمایه اجتماعی در پدافند غیرعامل (نمونه موردی: استان سیستان و بلوچستان)

حسن کامران - دانشیار دانشکده جغرافیا، دانشگاه تهران، تهران، ایران
زهرا موسوی - دانشجوی دکتری جغرافیای سیاسی دانشکده جغرافیا، دانشگاه تهران، تهران، ایران
حسن حسینی امینی* - دانش‌آموخته کارشناسی ارشد جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری، دانشگاه پیام نور تهران، تهران، ایران

پذیرش نهایی: ۹۱/۱۲/۲۵

دریافت مقاله: ۹۱/۸/۱۴

چکیده

پدافند غیرعامل به مجموعه اقدام‌های بنیادی و زیربنایی غیرنظامی اطلاق می‌شود که منابع و امکانات زیرساختی و اساسی کشورها را به سمت بهره‌گیری مناسب دفاعی هدایت و به برقراری امنیت ملی کمک می‌نمایند. در این رابطه، در این پژوهش سرمایه اجتماعی به عنوان یکی از مهم‌ترین منابع نهفته در ساختار اجتماعی در نظر گرفته شده است که با کنش‌های هدفمند قابل دسترسی یا گردآوری است. بحث اعتماد که بن‌مایه سرمایه اجتماعی محسوب می‌شود باعث افزایش مشارکت‌های مدنی می‌گردد. بنابراین، سنت‌های قدرتمند مشارکت مدنی مانند شرکت در انتخابات به عنوان شاخص مهم سرمایه اجتماعی محسوب می‌شود. با توجه به مطالب فوق، این پژوهش به دنبال بررسی جایگاه سرمایه اجتماعی در پدافند غیرعامل است. در این رابطه، ما در این بررسی به روشی توصیفی - تحلیلی سرمایه اجتماعی را یکی از سازوکارهای مرتبط با پدافند غیرعامل شناختیم. سپس، در روشی آماری - تحلیلی شرکت در انتخابات را به عنوان شاخص مهم جهت ارزیابی سرمایه اجتماعی در نظر گرفته شده است. استان سیستان و بلوچستان نمونه موردی در این پژوهش است. نتایج پژوهش نشان می‌دهد که نرخ پایین مشارکت مردمی در سیستان و بلوچستان در ۹ دوره انتخابات ریاست جمهوری، حاکی از اعتماد پایین بین مردم و دولت مرکزی و در نتیجه وضعیت نامطلوب سرمایه اجتماعی در این منطقه است. تقویت سرمایه اجتماعی در این منطقه به منظور بهره‌گیری در پدافند غیرعامل جهت برقراری امنیت ملی، پیشنهاد می‌گردد.

واژگان کلیدی: پدافند غیرعامل، سرمایه اجتماعی، انتخابات ملی، سیستان و بلوچستان.

۱. مقدمه

پدافند غیرعامل به مجموعه اقدام‌های بنیادی و زیربنایی در جهت دفاع ملی و برقراری امنیت اطلاق می‌شود که نیاز به جنگ افزار و تسلیحات نظامی ندارند. در این رویکرد تلاش می‌شود منابع و امکانات تولیدی و زیرساختی و اساسی کشورها به سمت بهره‌گیری مناسب دفاعی هدایت شود تا به برقراری امنیت ملی کمک نمایند. در این رابطه، در این پژوهش سرمایه اجتماعی به عنوان یکی از مهم‌ترین منابع نهفته در ساختار اجتماعی در نظر گرفته شده است که با کنش‌های هدفمند قابل دسترسی یا گردآوری است. محققان و اندیشمندان سرمایه اجتماعی در تبیین مسائل مختلف، این مفهوم را در سه سطح به کار گرفته‌اند. سطح خرد که مجموعه ارتباطات افقی را مورد بررسی قرار می‌دهد. سطح میانی؛ شامل اتصالات افقی و روابط سلسله‌مراتبی، فرافردی چون مؤسسه‌ها و سازمان‌ها و روابط بینابین اعم از باشگاه‌ها، انجمن‌ها، شرکت‌ها و احزاب سیاسی می‌شود و سطح کلان؛ که در آن سرمایه اجتماعی شامل: محیط اجتماعی و سیاسی است که علاوه بر روابط گسترده غیر رسمی و افقی و عمودی که در دو سطح قبل مطرح بود، روابط و ساختارها و نهادهای رسمی چون: حکومت، سیستم سیاسی، قوانین حاکم، قواعد حقوقی، سیستم قضایی و آزادی‌های مدنی نیز لحاظ شده است.

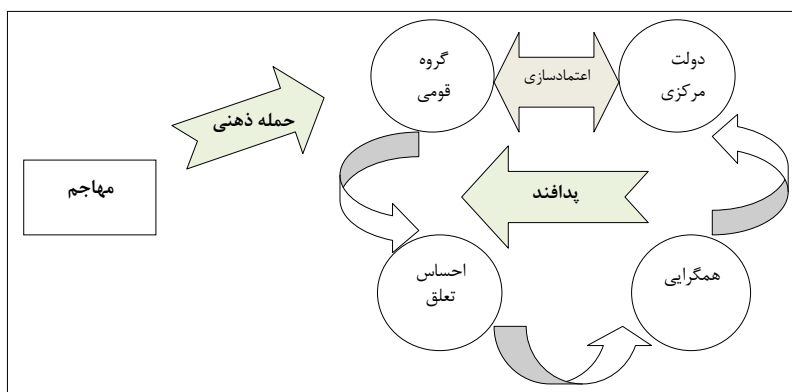
همچنین، در بحث اعتماد که بن‌مایه سرمایه اجتماعی محسوب می‌گردد، پاتنام با توجه به شعاع اعتماد به دو نوع اعتماد شخصی و اعتماد اجتماعی اشاره دارد و نوع دوم را که در ادبیات سرمایه اجتماعی بعضاً اعتماد تعمیم یافته نیز نامیده می‌شود، سودمندتر برای جامعه می‌داند. به نظر وی، این نوع اعتماد، همکاری گسترده‌تر در سطح جامعه را موجب می‌گردد. پاتنام افزایش مشارکت‌های مدنی را از سازوکارهای تبدیل اعتماد شخصی به اعتماد اجتماعی یا تعمیم یافته معرفی می‌کند. از طرفی دیگر، پاتنام در جایی دیگر از سرمایه اجتماعی محدود در مقابل سرمایه اجتماعی اتصالی یاد می‌کند. سرمایه اجتماعی محدود در گروه‌های همگون دیده می‌شود که می‌تواند منجر به شکل‌گیری هویت‌های انحصاری گردد. در مقابل، سرمایه اجتماعی اتصالی بر شبکه‌های اجتماعی اشاره دارد که افراد غیرمشابه از بخش‌های گوناگون جامعه را به یکدیگر مرتبط می‌کند و می‌تواند همیاری‌های تعمیم یافته را برانگیزد. بنابراین، آثار بیرونی مثبت سرمایه اجتماعی بیشتر در این نوع محتمل است. اما سرمایه اجتماعی محدود، ضمن این که موجب همبستگی در میان اعضای گروه می‌شود و حمایت‌های اجتماعی - روانی مهمی را برای اعضا فراهم می‌سازد، ممکن است با ایجاد وفاداری‌های قوی درون گروهی موجب ضدیت‌های برون‌گروهی نیز بشود. لذا آثار بیرونی منفی بیشتر احتمال دارد در این نوع سرمایه اجتماعی بروز یابد و اگرچه در بیشتر شرایط هر دو نوع سرمایه می‌توانند تأثیرات قوی و مثبت اجتماعی به دنبال داشته باشند، اما در صورت ضعف سرمایه اجتماعی اتصالی یعنی ضعف ارتباط گروه‌ها و بخش‌های مختلف با یکدیگر، انسجام اجتماعی جامعه در معرض خطر بوده و می‌تواند در برخی موارد موجب از هم گسیختگی جامعه گردد. رابرت پاتنام سنت‌های قدرتمند مشارکت مدنی (مانند شرکت در انتخابات) را به عنوان شاخص مهم سرمایه اجتماعی می‌داند. با توجه به مطالب فوق، این پژوهش به دنبال بررسی جایگاه سرمایه اجتماعی در پدافند غیرعامل است. در این رابطه، ما در این بررسی سرمایه اجتماعی را یکی از سازوکارهای مرتبط با پدافند غیرعامل شناختیم. سپس، شرکت در انتخابات را به عنوان شاخص مهم جهت ارزیابی سرمایه اجتماعی در نظر گرفتیم. استان سیستان و بلوچستان نمونه موردی در این پژوهش است.

۲. مروری بر ادبیات تحقیق

۲-۱. پدافند غیرعامل^۱

پدافند غیرعامل به مجموعه اقداماتی اطلاق می‌شود که نیاز به جنگ افزار و تسلیحات نظامی ندارند و با اجرای آن می‌توان از وارد آمدن خسارت مالی به تأسیسات و تجهیزات حیاتی و حساس و مهم و نیز تلفات انسانی جلوگیری کرد و یا میزان آن را کاهش داد. مراکز حیاتی، حساس و مهم، مراکزی هستند که انهدام کل یا قسمتی از آنها موجب بروز آسیب و بحران در نظام سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و دفاعی کشور از سطح ملی تا سطح محلی می‌شود (موحدی نیا، ۱۳۸۶: ۲۳). به عبارتی اصول پدافند غیرعامل، مجموعه اقدام‌های بنیادی و زیربنایی است که در صورت به‌کارگیری می‌توان به هدف‌های پدافند غیرعامل از قبیل: کاهش خسارت‌ها و صدمه‌ها، کاهش قابلیت و توانایی سامانه‌های شناسایی هدف‌ها، هدف‌یابی و دقت هدف‌گیری تسلیحات آفندی دشمن و تحمیل هزینه بیشتر به وی نائل گردید (اسکندری، ۱۳۸۹: ۳۴).

با توجه به رهیافت فوق، پدافند غیرعامل موجب تعدیل هزینه‌های نظامی، تنوع روش‌های دفاعی و همگام نمودن برنامه‌های امنیت ملی و توسعه اقتصادی و اجتماعی می‌شود. تاریخ تحولات نظامی در قرن بیستم نشان می‌دهد که پس از وقوع دو جنگ جهانی و پایان یافتن جنگ سرد، کشورها به سمت دو منظوره کردن فناوری و زیر ساخت‌های صنعتی حرکت نمودند. دو منظوره کردن به معنای استفاده از کاربردهای نظامی و غیرنظامی فناوری‌های پیشرفته و زیرساخت‌ها و سرمایه‌گذاری‌ها بود، به نوعی که علاوه بر کاهش هزینه‌های نظامی در صورت بروز بحران‌ها و وقوع جنگ‌های احتمالی بتوان از امکانات و توانایی‌ها برای جنگ و دفاع بهره‌گیری مناسب کرد. در پی این رویکرد، توجه به پدافند غیرعامل نیز در اولویت برنامه‌های توسعه قرار گرفت. در این رویکرد تلاش می‌شود منابع و امکانات تولیدی و زیرساختی و اساسی کشورها به سمت بهره‌گیری مناسب دفاعی هدایت شود تا در شرایط جنگ شاهد کاهش آسیب‌پذیری‌ها و افزایش ایستادگی ملی شود (فردرو، ۱۳۸۹: ۱۲۱-۱۱۸). در این مقاله، حرف برسر این است که در گذشته حمله‌ها به صورت نظامی و عینی صورت می‌گرفت و دفاع در مقابل آنها نیز با استفاده از جنگ افزارها و ابزارهای نظامی بود. اما، امروزه دشمن زیرساخت‌های انسانی کشور مورد نظر را هدف قرار می‌دهد و در این رابطه، عملیات روحی- روانی و ذهنی نسبت به عملیات نظامی در اولویت قرار می‌گیرند. به ویژه، در کشورهای هدفی که دارای تفاوت قومی- مذهبی در حاشیه مرزی نسبت به مرکز می‌باشند، به خصوص اگر این گروه قومی در طرف دیگر مرز دارای دنباله باشد، این گونه حملات ذهنی و غیرنظامی راحت تر صورت می‌گیرد. چنانچه دولت مرکزی با اعتمادسازی در این مناطق، حاشیه را با خود همسو نموده و در مردم مناطق مرزی احساس تعلق به دولت مرکزی ایجاد نماید به گونه‌ای که مردم این مناطق خود را جزئی از هسته تصمیم ساز در امور ملی بدانند، پدافندی غیرعامل در برابر حمله‌های صورت گرفته، انجام شده است.



شکل ۱. نقش اعتماد به عنوان هسته سرمایه اجتماعی در پدافند غیرعامل (منبع: نگارندگان)

۲-۲. سرمایه اجتماعی

اصطلاح سرمایه اجتماعی نخستین بار توسط هنی فان^۱ به کار برده شد (Gupta, 2008: 1). این اصطلاح، مفهوم جدیدی در حوزه مطالعات انسانی است که با پژوهش های سازنده جیمز کلمن^۲ جامعه شناس تئوری عقلانی درباره آموزش و پرورش، فوکویاما^۳ در زمینه فرهنگ و پاتنام^۴ در حوزه علوم سیاسی، مشارکت مدنی و عملکرد نهادی بسط یافته است (غفوری و جعفری، ۱۳۸۷: ۲۳۸-۲۰۹). فرضیه ای که در پشت مفهوم سرمایه اجتماعی قرار دارد بسیار ساده است؛ سرمایه گذاری در روابط اجتماعی با بازخوردهای مورد انتظار (Lin, Burt & Cook, 2008: 175). سرمایه اجتماعی به چگونگی ارتباط مردم با یکدیگر و مردم با حکومت و مزایایی که برای جامعه دارد می پردازد (Brunie, 2009: 251-265).

تئوری های سرمایه اجتماعی بین عناصر شناختی/نگرشی و ساختاری/رفتاری، تفاوت قائل شده اند. عناصر شناختی به اظهار نگرشی شامل ارزش ها، نگرش ها و اعتقادات اشاره دارد؛ اعتماد به سایر اعضای جامعه نمونه ای از سرمایه اجتماعی شناختی است. عناصر ساختاری به عنوان اظهارات رفتاری شناخته می شوند و به مشارکت در گروه ها، جامعه و فعالیت های مدنی، همچنین جامعه شبکه ای، نقش ها و هنجارها اشاره دارد (Brunie & Bossert, 2009: 885-893).

فرانسیس فوکویاما کارکرد اصلی سرمایه اجتماعی را تسهیل همکاری و مشارکت گروهی برای تحقق اهداف و منافع فردی و جمعی و کمک به توسعه اقتصادی-سیاسی و فرهنگی می داند (عبداللهی و موسوی، ۱۳۸۶: ۲۳۲-۱۹۵). از نظر رابرت پاتنام سرمایه اجتماعی به ارتباطات بین افراد- شبکه های اجتماعی، هنجارها و اعتماد- اشاره دارد که هماهنگی و همکاری برای کسب منافع متقابل را تسهیل می کند. از این نظر، سرمایه اجتماعی یک مفهوم چند بعدی است که شبکه های اجتماعی، هنجارهای اعتماد و هنجارهای عمل متقابل را در بر می گیرد (پیراهری، ۱۳۸۸: ۱۳۱-۱۰۹).

1. L.J. Hanifan
2. James Coleman
3. Fukoyama
4. Robert Putnam

لین (۱۹۸۲)، مفهوم سرمایه اجتماعی را به مثابه منابع نهفته در ساختار اجتماعی تعریف می‌کند که با کنش‌های هدفمند قابل دسترسی یا گردآوری است (توسلی و موسوی، ۱۳۸۴: ۳۲-۱) و سود سرمایه‌گذاری در زمینه سرمایه فیزیکی و سرمایه انسانی را افزایش می‌دهد (پاتنام، ۱۳۸۴: ۹۵). در این میان، پاتنام مفهوم سرمایه اجتماعی را فراتر از سطح فردی به کار می‌گیرد و به چگونگی کارکرد سرمایه اجتماعی در سطح منطقه‌ای و ملی و نوع تأثیرات سرمایه اجتماعی بر نهادهای دموکراتیک و در نهایت توسعه اقتصادی علاقه‌مند است (توسلی و موسوی، ۱۳۸۴: ۳۲-۱).

محققان و اندیشمندان سرمایه اجتماعی در تبیین مسائل مختلف، این مفهوم را در سه سطح به کار گرفته‌اند. سطح خرد؛ روابط فردی و شبکه‌های ارتباطی بین افراد و هنجارها و ارزش‌های غیررسمی حاکم بر آنها و به طور کلی مجموعه ارتباطات افقی را مورد بررسی قرار داده‌اند. سطح میانی؛ شامل اتصالات افقی و روابط سلسله‌مراتبی، فرا فردی چون مؤسسه‌ها و سازمان‌ها و روابط بینابین اعم از باشگاه‌ها، انجمن‌ها، شرکت‌ها و احزاب سیاسی می‌شود و سطح کلان؛ که در آن سرمایه اجتماعی شامل محیط اجتماعی و سیاسی است که اجازه می‌دهد هنجارها توسعه یابند و ساختار روابط اجتماعی شکل بگیرد. در این سطح، علاوه بر روابط گسترده غیر رسمی، افقی و عمودی که در دو سطح قبل مطرح بود، روابط و ساختارها و نهادهای رسمی چون حکومت، سیستم سیاسی، قوانین حاکم، قواعد حقوقی، سیستم قضایی و آزادی‌های مدنی نیز لحاظ شده است (غفوری و جعفری، ۱۳۸۷: ۲۳۸-۲۰۹).

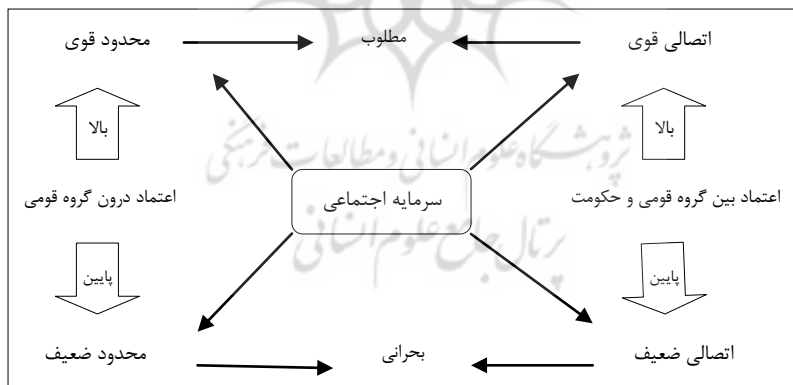
پاتنام سرمایه اجتماعی را با سه مؤلفه، به عنوان ویژگی سازمان اجتماعی تعریف می‌نماید. نخست شبکه‌ها؛ که آن را به عنوان خاستگاه دو مؤلفه دیگر سرمایه اجتماعی یعنی هنجارهای اعتماد و همیاری مطرح می‌سازد. او با تفکیک شبکه‌های افقی یا مساوات طلب از شبکه‌های عمومی یا انحصارطلب، نوع دوم را فاقد توان برقراری اعتماد و هنجارهای همیاری معرفی می‌نماید. از نظر وی، شبکه‌های افقی در قالب مشارکت‌های مدنی، به دلیل آرایه چارچوب فرهنگی برای همکاری مولد هنجارهای اعتماد همیاری هستند (توسلی و موسوی، ۱۳۸۴: ۳۲-۱).

مؤلفه دوم، هنجارهای همیاری است که پاتنام در تعریف آن به دو نوع متوازن^۱ و تعمیم یافته^۲ اشاره می‌نماید. در نوع تعمیم یافته رابطه تبادلی مداومی در جریان است که در همه حال یک طرفه و غیرمتوازن است اما انتظارات متقابلی ایجاد می‌کند، مبنی بر این که سودی که اکنون اعطا شده، باید در آینده بازپرداخت گردد. مؤلفه سوم مورد توجه پاتنام، اعتماد است. از نظر وی، اعتماد از عناصر ضروری برای تقویت همکاری بوده و حاصل پیش‌بینی پذیری رفتار دیگران است که در یک جامعه کوچک از طریق آشنایی با دیگران حاصل می‌شود؛ اما در جوامع بزرگتر و پیچیده تر یک اعتماد غیرشخصی تر یا شکل غیرمستقیمی از اعتماد ضرورت می‌یابد. پاتنام در بحث اعتماد، با توجه به شعاع اعتماد^۳ به دو نوع اعتماد شخصی و اعتماد اجتماعی اشاره دارد و نوع دوم را که در ادبیات سرمایه اجتماعی بعضاً اعتماد تعمیم یافته^۴ نیز نامیده می‌شود، سودمندتر برای جامعه می‌داند. به نظر وی، این نوع اعتماد، همکاری گسترده تر در سطح جامعه را موجب می‌گردد. پاتنام افزایش

-
1. Balanced reciprocity
 2. Generalized reciprocity
 3. Radius of Trust
 4. Generalized Trust

مشارکت‌های مدنی و گسترش شبکه‌های اجتماعی را از سازو کارهای تبدیل اعتماد شخصی یا خاص به اعتماد اجتماعی یا تعمیم یافته معرفی می‌کند. از نظر پاتنام، اعتماد اجتماعی به همان اندازه که یک نگرش شخصی است یک دارایی نظام اجتماعی نیز به شمار می‌رود (توسلی و موسوی، ۱۳۸۴: ۱-۳۲).

پاتنام در جایی دیگر از سرمایه اجتماعی محدود^۱ در مقابل سرمایه اجتماعی اتصالی^۲ یاد می‌کند. سرمایه اجتماعی محدود نوعی از سرمایه اجتماعی است که مردمی را که از جهات مهمی مثل قومیت، سن، جنسیت، طبقه اجتماعی و نظایر آن شبیه به هم هستند، به یکدیگر پیوند می‌دهد. این شکل از سرمایه اجتماعی در گروه‌های همگون دیده می‌شود که می‌تواند منجر به ایجاد هویت‌های انحصاری^۳ گردد. در مقابل، سرمایه اجتماعی اتصالی بر شبکه‌های اجتماعی اشاره دارد که افراد غیر مشابه از بخش‌های گوناگون جامعه را به یکدیگر مرتبط می‌کند و می‌تواند هویت‌های باز و فارغ از تعصب را موجب گردد، این نوع سرمایه از طرفی همیاری‌های تعمیم یافته را برمی‌انگیزد و از طرف دیگر دست‌یابی به منابع موجود در شبکه‌های وسیع تر و انتشار اطلاعات را ممکن می‌کند. بنابراین، آثار بیرونی مثبت سرمایه اجتماعی بیشتر در این نوع محتمل است. اما سرمایه اجتماعی محدود، ضمن این که موجب همبستگی در میان اعضای گروه می‌شود و حمایت‌های اجتماعی- روانی مهمی را برای اعضا فراهم می‌سازد، ممکن است با ایجاد وفاداری‌های قوی درون گروهی موجب ضدیت‌های برون گروهی نیز بشود. لذا آثار بیرونی منفی بیشتر احتمال دارد در این نوع سرمایه اجتماعی بروز یابد و اگرچه در بیشتر شرایط هر دو نوع سرمایه می‌توانند تأثیرات قوی و مثبت اجتماعی به دنبال داشته باشند، اما در صورت ضعف سرمایه اجتماعی اتصالی یعنی ضعف ارتباط گروه‌ها و بخش‌های مختلف با یکدیگر، انسجام اجتماعی جامعه در معرض خطر بوده و می‌تواند در برخی موارد موجب از هم گسیختگی جامعه گردد (پاتنام، ۱۳۸۰: ۲۳).



شکل ۲. سرمایه اجتماعی اتصالی و محدود (منبع: نگارندگان)

1. Bonding Social Capital
2. Bridging Social Capital
3. Exclusive

پاتنام در یکی از آخرین آثار خود، در کنار عاملی نظیر تکنولوژی و نقش رهبران سیاسی و اخلاقی، نقش دولت را مورد تأکید قرار داده و به اشکال مختلفی که دولت‌ها از طریق نهادهای حکومتی و سیاست‌های معین می‌توانند در شکل‌گیری و افزایش سرمایه اجتماعی موثر باشند، اشاره کرده است (توسلی و موسوی، ۱۳۸۴: ۳۲-۱). سرمایه اجتماعی، منبع مفیدی برای مشارکت سیاسی است (Stout, 2008: 6). به عقیده فوکویاما، سرمایه اجتماعی در قلمرو سیاسی، مشارکت مدنی که برای موفقیت یک حکومت و دموکراسی مدرن لازم است را توسعه می‌دهد (Fukuyama, 2000: 3). رابرت پاتنام معتقد است سنت‌های قدرتمند مشارکت مدنی (مانند شرکت در انتخابات) به عنوان شاخص مهم سرمایه اجتماعی، نشانه‌های موفقیت یک منطقه هستند (عطار، ۱۳۸۸: ۱۴۶-۱۲۹). در واقع، رای دادن متداولترین شکل مشارکت سیاسی است (Axford, Browning & etal, 1997: 148). چنانچه مردم به حکومت اعتماد نداشته باشند در برنامه‌های آن شرکت نخواهند کرد، هرچند که این برنامه‌ها مطلوب باشند. حکومت می‌تواند با بازکردن فرصت‌های سیاسی برای شهروندان به ساخت سرمایه اجتماعی و مشارکت بیشتر آنها در انتخابات کمک نماید (Halpern, 2005: 180). در واقع، سرمایه اجتماعی ثروت و دارایی نامرئی است که حکایت از آمادگی روحی - روانی آحاد یک جامعه برای درگیر شدن در عمل جمعی دارد. این دارایی به صورت بالقوه در تمامی جوامع انسانی به اشکال، شدت و گستردگی گوناگون یافت می‌شود، اما برای شکوفایی و به فعلیت درآمدن، به بستر و تحقق شرایطی خاص نیاز دارد. چنانچه این قابلیت به درستی شناسایی و هدایت شود، می‌تواند تحول شگرفی در عرصه‌های حیات اجتماعی پدید آورد؛ یعنی سرمایه اجتماعی می‌تواند به مثابه حلقه مفقوده‌ای، حوزه‌های اجتماعی - سیاسی را در راستای توسعه کمی و کیفی جامعه، به یکدیگر متصل کند (غفوری و جعفری، ۱۳۸۷: ۲۳۸-۲۰۹). با توجه به رهیافت فوق، در این مقاله سرمایه اجتماعی در سطح کلان و در رابطه با اعتماد میان مردم و حکومت و همچنین به صورت سرمایه اجتماعی اتصالی و برون‌گروهی مدنظر است. همچنین شرکت در انتخابات بعنوان یکی از شاخصه‌های مهم مشارکت سیاسی و در نتیجه یکی از شاخص‌های مهم سرمایه اجتماعی، مورد توجه قرار گرفته است.

۳. روش‌شناسی تحقیق

این تحقیق به روش توصیفی - تحلیلی به بررسی جایگاه سرمایه اجتماعی در پدافند غیرعامل پرداخته است. سپس در روشی آماری - تحلیلی مشارکت سیاسی به عنوان یکی از شاخص‌های مهم سرمایه اجتماعی در استان سیستان و بلوچستان به عنوان نمونه موردی در نظر گرفته شده است. بدین منظور با استفاده از نرم افزار SPSS میانگین نرخ مشارکت در ۹ دوره انتخابات ریاست جمهوری برای هر استان محاسبه گردیده و نتایج نهایی برای مقایسه شهودی به صورت نمودار آورده شده است.

۴. محدوده مورد مطالعه

استان سیستان و بلوچستان در جنوب شرق ایران و در همسایگی با پاکستان و افغانستان و آب‌های آزاد می‌باشد. اکثریت مردم این ناحیه دارای قومیت بلوچی و مذهب تسنن می‌باشند. بلوچستان

ایران فقط بخشی از سرزمینی است که بلوچها را در خود جای داده است. بلوچها در اصل ساکن ایران بوده‌اند. به طور کلی، بلوچستان بین ایران، پاکستان و افغانستان تقسیم شده است. بلوچستان ایران از نظر وسعت دومین منطقه بلوچ نشین است. حرکت‌های سیاسی محلی گرای بلوچها عمدتاً در بلوچستان شرقی در پاکستان متمرکز بوده است و تعداد اندکی از بلوچهای ایرانی نیز چشم به جانب شرق داشته‌اند. یک دلیل عمده فقدان گرایش‌های سیاسی قوی در میان بلوچهای ایرانی پیوندهای عمیق تاریخی، زبانی و فرهنگی بلوچها با ایران بوده است (احمدی، ۱۳۷۸: ۳۷۸)، با این حال هیچ یک از اقوام حاشیه‌ای و مرکزی ایران نسبت به هسته تشکیل دهنده دولت به اندازه بلوچها واگرا و مرکزگریز نبوده و نیستند. بلوچها نسبت به سایر اقوام ایرانی در تحولات سیاسی، فرهنگی و اقتصادی ایران نقش کمتری داشته‌اند. در کادرهای بالای نیروی مسلح، وزرای کابینه، مقامات استانی، حتی مدیریت‌های اقتصادی و فرهنگی و صنعتی نامی از بلوچ دیده نمی‌شود. منشاء و ریشه این واگرایی این گروه در عواملی نظیر: عوامل مذهبی، زبانی و بافت ویژه اجتماعی، موقعیت جغرافیایی، هراس تاریخی از دولت، ضعف شبکه‌های ارتباطی و فقر تولید می‌باشد (طرح جامع تقسیمات کشوری، ۱۳۷۸: ۱۶۹) که موجب شده است بلوچها در سرنوشت ملی کمتر شریک باشند و در تحولات بزرگ درون جامعه ملی ایران، نقش قابل توجهی بر عهده نداشته باشند (حافظ نیا، ۱۳۸۱: ۱۷۴).

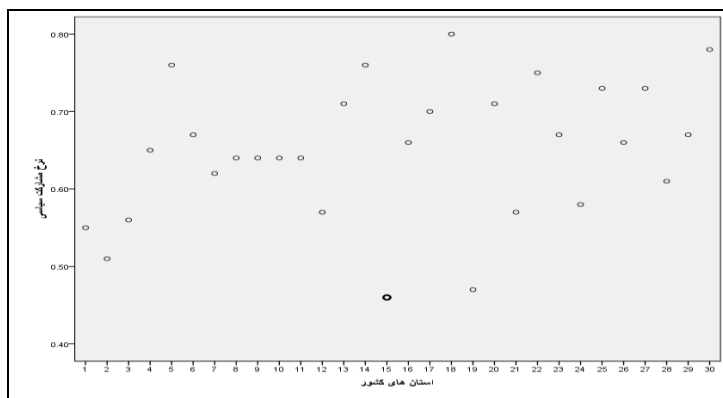
۵. یافته‌ها

نتایج میانگین نرخ مشارکت در ۹ دوره انتخابات ریاست جمهوری برای هر استان جدول (۱) و شکل (۳) نمایش داده شده است. در شکل (۳)، نزدیکی به عدد صفر نشان دهنده نرخ مشارکت کمتر و نزدیکی به عدد یک نشان دهنده نرخ مشارکت بالاتر می‌باشد. همان طور که دیده می‌شود استان سیستان و بلوچستان کمترین نرخ مشارکت در انتخابات ۹ دوره ریاست جمهوری را دارا می‌باشد.

جدول ۱. میانگین نرخ مشارکت در ۹ دوره انتخابات ریاست جمهوری

میانگین نرخ مشارکت	نام استان	کد استان	میانگین نرخ مشارکت	نام استان	کد استان
۰.۶۶	فارس	۱۶	۰.۵۵	آذربایجان شرقی	۱
۰.۷۰	قزوین	۱۷	۰.۵۱	آذربایجان غربی	۲
۰.۸۰	قم	۱۸	۰.۵۶	اردبیل	۳
۰.۴۷	کردستان	۱۹	۰.۶۵	اصفهان	۴
۰.۷۰	کرمان	۲۰	۰.۷۶	ایلام	۵
۰.۵۷	کرمانشاه	۲۱	۰.۶۷	بوشهر	۶
۰.۷۶	کهگیلویه و بویراحمد	۲۲	۰.۶۲	تهران و البرز	۷
۰.۶۷	گلستان	۲۳	۰.۶۴	چهارمحال و بختیاری	۸
۰.۵۸	گیلان	۲۴	۰.۶۴	خراسان جنوبی	۹
۰.۷۳	لرستان	۲۵	۰.۶۴	خراسان رضوی	۱۰
۰.۶۶	مازندران	۲۶	۰.۶۴	خراسان شمالی	۱۱
۰.۷۳	مرکزی	۲۷	۰.۵۷	خوزستان	۱۲
۰.۶۱	هرمزگان	۲۸	۰.۷۱	زنجان	۱۳
۰.۶۷	همدان	۲۹	۰.۷۶	سمنان	۱۴
۰.۷۸	یزد	۳۰	۰.۴۶	سیستان و بلوچستان	۱۵

منبع: داده‌های خام، آمار وزارت کشور می‌باشد. به دلیل عدم تفکیک آمار در کلیه دوره‌ها، یکرقم متوسط برای هر سه استان خراسان جنوبی، رضوی و شمالی در نظر گرفته شده است.



شکل ۳. میانگین نرخ مشارکت در ۹ دوره انتخابات ریاست جمهوری در استان‌های کشور

سرمایه اجتماعی به عنوان سازو کار پدافند غیرعامل و مشارکت در انتخابات، به عنوان یکی از شاخص‌های سرمایه اجتماعی مد نظر قرار گرفت. آمار موجود انتخاباتی نشان می‌دهد که سرمایه اجتماعی محدود در سیستان و بلوچستان قابل توجه است. به گونه‌ای که در دور نخست انتخابات شوراها، شرکت مردم این استان در انتخابات به طور متوسط، ۲۱/۴ درصد از میانگین مشارکت ملی بالاتر بود. در انتخابات ۹ اسفند ۸۱ نیز، ۶۶/۷۸ درصد شهروندان در انتخابات شرکت کردند که ۱۷/۶ درصد بیشتر از میانگین مشارکت در سطح ملی بود (کاوینی، ۱۳۸۶: ۱۲۱-۸۹).

در رابطه با سرمایه اجتماعی اتصالی که نشان از اعتماد بین مردم و دولت دارد و می‌تواند به تقویت امنیت ملی منجر گردد و به عنوان پدافند غیرعامل در نظر گرفته شود، وضعیت این استان مطلوب به نظر نمی‌رسد. به طوری که در عرصه ملی، استان سیستان و بلوچستان کمترین نرخ مشارکت در انتخابات ۹ دوره ریاست جمهوری را دارا می‌باشد. مشارکت سیاسی پایین، دلیلی بر این مدعاست که اعتماد مردم این منطقه به دولت مرکزی و مقبولیت نظام سیاسی که بن مایه سرمایه اجتماعی است، پایین است. آمار فوق نشان می‌دهد مردم این منطقه، به مشارکت در اداره امور محلی علاقه مندرتر از عرصه ملی هستند. بنابراین سرمایه اجتماعی محدود قوی تر از سرمایه اجتماعی اتصالی می‌باشد. همان طور که در بالا گفته شد، سرمایه اجتماعی محدود، ضمن این که موجب همبستگی در میان اعضای گروه می‌شود و حمایت‌های اجتماعی-روانی مهمی را برای اعضا فراهم می‌سازد، ممکن است با ایجاد وفاداری‌های قوی درون گروهی موجب ضدیت‌های برون گروهی نیز بشود. لذا آثار بیرونی منفی بیشتر احتمال دارد در این نوع سرمایه اجتماعی بروز یابد و اگرچه در بیشتر شرایط هر دو نوع سرمایه می‌توانند تأثیرات قوی و مثبت اجتماعی به دنبال داشته باشند، اما در صورت ضعف سرمایه اجتماعی اتصالی یعنی ضعف ارتباط گروه‌ها و بخش‌های مختلف با یکدیگر، انسجام اجتماعی جامعه در معرض خطر بوده و می‌تواند در برخی موارد موجب از هم گسیختگی جامعه گردد.

پایین بودن نرخ مشارکت مبین بحرانی بودن وضعیت امنیت در این منطقه می‌باشد. همچنان که هم اکنون سیستان و بلوچستان در رده مناطق بحرانی دائمی و خفیف قرار می‌گیرد (طرح جامع تقسیمات کشوری، ۱۳۷۸: ۲۲). این موضوع، مبین ضرورت بکارگیری اقدامات مرتبط با پدافند غیر عامل در این منطقه است، بدین دلیل که اقدامات نظامی دولت در برقراری امنیت، علاوه بر هزینه بر بودن می‌تواند احساسات مردم محلی را جریحه دار کرده و عدم اعتماد را افزایش دهد.

۶. نتیجه گیری

پدافند غیر عامل به عنوان اقداماتی غیرنظامی در جهت برقراری امنیت ملی تعریف گردید. در این رابطه، ایجاد و تقویت سرمایه اجتماعی به عنوان یکی از چنین اقداماتی در نظر گرفته شد و سپس، مشارکت در انتخابات به عنوان یکی شاخص‌های سرمایه اجتماعی مدنظر قرار گرفت. بنابر نظر اندیشمندان مختلف، سطوح و انواع متفاوتی از سرمایه اجتماعی تعریف گردید که بنابر هدف این پژوهش، سطح کلان و برون گروهی که متناسب با عرصه ملی می‌باشد مورد توجه قرار گرفت. همچنین، به دو سرمایه اجتماعی محدود و اتصالی اشاره کردیم. گفته شد سرمایه اجتماعی محدود که مردمی را که از جهات مهمی مثل: قومیت، سن، جنسیت، طبقه اجتماعی و نظایر آن شبیه به هم هستند به یکدیگر پیوند می‌دهد، ضمن این که موجب همبستگی در میان اعضای گروه می‌شود و حمایت‌های اجتماعی - روانی مهمی را برای اعضا فراهم می‌سازد، ممکن است با ایجاد وفاداری‌های قوی درون گروهی موجب ضدیت‌های برون گروهی نیز بشود. در این رابطه، با توجه به شاخصی که در نظر گرفتیم، آمار موجود انتخاباتی نشان می‌دهد که سرمایه اجتماعی محدود در سیستان و بلوچستان قابل توجه است. برعکس، در رابطه با سرمایه اجتماعی اتصالی که نشان از اعتماد بین مردم و دولت دارد و می‌تواند به تقویت امنیت ملی منجر گردد و به عنوان پدافند غیرعامل در نظر گرفته شود، وضعیت این استان مطلوب به نظر نمی‌رسد. به طوری که در عرصه ملی، استان سیستان و بلوچستان کمترین نرخ مشارکت در انتخابات ۹ دوره ریاست جمهوری را دارا می‌باشد. مشارکت سیاسی پایین، دلیلی بر این مدعاست که اعتماد مردم این منطقه به دولت مرکزی و مقبولیت نظام سیاسی که بن مایه سرمایه اجتماعی است، پایین است. آمار فوق نشان می‌دهد مردم این منطقه، به مشارکت در اداره امور محلی علاقه مندتر از عرصه ملی هستند. بنابراین سرمایه اجتماعی محدود قوی تر از سرمایه اجتماعی اتصالی می‌باشد. در واقع کنترل دولت توسط گروهی خاص و راه نیافتن سایرین در ساختارهای قدرت به طرد شدگی حاشیه از مرکز و عدم اعتماد به دولت مرکزی منجر می‌شود و با کاهش سرمایه اجتماعی اتصالی، وحدت ملی را به مخاطره می‌افکند. بلوچ‌ها از زمان ظهور دولت ایران قبل از اسلام، بخش‌های جدایی ناپذیر جامعه ایران محسوب می‌شده‌اند و همان گونه که در گذشته در دفاع از میراث مشترک ایرانی نقش داشته‌اند، امروزه نیز شایسته است در عرصه‌های سیاسی و اجتماعی مشارکت فعال و مؤثر در تصمیم سازی، داشته باشند.

۷. منابع

۱. احمدی، حمید، ۱۳۷۸، قومیت و قوم گرایی در ایران از افسانه تا واقعیت، نشرنی، تهران.
۲. اسکندری، حمید، ۱۳۸۹، دانستنی‌های پدافند غیرعامل، بوستان حمید، تهران.
۳. پاتنام، رابرت، ۱۳۸۴، جامعه برخوردار، سرمایه اجتماعی و زندگی عمومی، در تاجبخش، کیان.
۴. پاتنام، روبرت، ۱۳۸۰، دموکراسی و سنت‌های مدنی، ترجمه محمدتقی دلفروز، دفتر مطالعات و تحقیقات سیاسی وزارت کشور، تهران.
۵. پیراهری، نیر، ۱۳۸۸، سرمایه اجتماعی در نظریات جدید، پژوهش‌نامه علوم اجتماعی، سال سوم، شماره سوم، صص ۱۰۹-۱۳۱.

۶. توسلی، غلام‌عباس و موسوی، مرضیه، ۱۳۸۴، مفهوم سرمایه در نظریات کلاسیک و جدید با تأکید بر نظریه‌های سرمایه اجتماعی، نامه علوم اجتماعی، شماره ۲۶، صص ۱-۳۲.
۷. حافظ نیا، محمدرضا، ۱۳۸۱، جغرافیای سیاسی ایران، انتشارات سمت، تهران.
۸. عبدالمی، محمد، موسوی، میرطاهر، ۱۳۸۶، سرمایه اجتماعی در ایران؛ وضعیت موجود، دور نمای آینده و امکان شناسی گذار، فصل‌نامه رفاه اجتماعی، سال ششم، شماره ۲۵، صص ۱۹۵-۲۳۲.
۹. عطار، سعید، ۱۳۸۸، سرمایه اجتماعی، جامعه مدنی و دولت: عناصر دستیابی به توسعه، فصل‌نامه سیاست، دوره ۳۹، شماره ۴، صص ۱۲۹-۱۴۶.
۱۰. غفوری، محمد، جعفری، روح‌اله، ۱۳۸۷، سرمایه اجتماعی، جامعه مدنی و دموکراسی؛ رابطه متقابل یا یک سویه، پژوهش‌نامه علوم سیاسی، سال سوم، شماره ۴، صص ۲۰۹-۲۳۸.
۱۱. فردرو، محسن، ۱۳۸۹، دفاع غیرعامل و فرصت‌های توسعه، کتاب ماه علوم اجتماعی، شماره ۳۵، صص ۱۱۸-۱۲۱.
۱۲. کاویانی، مراد، ۱۳۸۶، ناحیه‌گرایی سیاسی در ایران: مطالعه موردی بلوچستان، فصل‌نامه مطالعات راهبردی، سال دهم، شماره اول، شماره مسلسل ۳۵، صص ۸۹-۱۲۱.
۱۳. موحدی‌نیا، جعفر، ۱۳۸۶، اصول و مبانی پدافند غیرعامل، انتشارات دانشگاه صنعتی مالک‌اشتر، تهران.
۱۴. وزارت کشور، ۱۳۵۸، آمار دوره نخست انتخابات ریاست جمهوری به تفکیک استان.
۱۵. وزارت کشور، ۱۳۶۰، آمار دوره دوم انتخابات ریاست جمهوری به تفکیک استان.
۱۶. وزارت کشور، ۱۳۶۰، آمار دوره سوم انتخابات ریاست جمهوری به تفکیک استان.
۱۷. وزارت کشور، ۱۳۶۴، آمار دوره چهارم انتخابات ریاست جمهوری به تفکیک استان.
۱۸. وزارت کشور، ۱۳۶۸، آمار دوره پنجم انتخابات ریاست جمهوری به تفکیک استان.
۱۹. وزارت کشور، ۱۳۷۲، آمار دوره ششم انتخابات ریاست جمهوری به تفکیک استان.
۲۰. وزارت کشور، ۱۳۷۶، آمار دوره هفتم انتخابات ریاست جمهوری به تفکیک استان.
۲۱. وزارت کشور، ۱۳۸۰، آمار دوره هشتم انتخابات ریاست جمهوری به تفکیک استان.
۲۲. وزارت کشور، ۱۳۸۴، آمار دوره نهم انتخابات ریاست جمهوری به تفکیک استان.
۲۳. وزارت کشور، ۱۳۷۸، طرح جامع تقسیمات کشوری؛ گزارش تلفیق، دفتر تقسیمات کشوری، تهران.
24. Axford, B, Gary K. Browning & etal., 1997, **Politics: An Introduction**, Routledge.
25. Brunie, A., 2009, **Meaningful distinctions within a concept: Relational, collective, and generalized social capital**, Social Science Research, Volume 38, Issue 2, Pages 251-265.
26. Brune, Nancy E., & Thomas B., 2009, **Building social capital in post-conflict communities: Evidence from Nicaragua**, Social Science & Medicine, Volume 68, Issue 5, Pages 885-893.
27. Fukuyama, F., 2000, **Social Capital and Civil Society**, Published by International Monetary Fund.
28. Gupta, K.R., 2008, **Social Capital**, Published by ATLANTIC.
29. Halpern, D., 2005, **Social Capital**, Polity Press.
30. Lin, Nan, Karen Cook & Ronald S. Burt., 2008, **Social Capital Theory and Research**, Transaction Publishers, New Brun Swick, New Jersey.
31. Stout, Michael., 2008, **Social Capital and Inequality in Political Participation**, Published by UMI.